## جلسه 91-949

**دو‌شنبه - 03/02/1403**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم ‌اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که بر سامع آیات سجده واجبه که انصات نمی‌کند، بی‌اختیار به گوشش می‌‌خورد که مستمع نیست ولی سامع هست، سجده تلاوت لازم است؟ همان‌طور که صاحب عروه فرموده یا لازم نیست همان‌طور که مرحوم آقای خوئی، ‌امام، ‌مرحوم آقای تبریزی، در معاصرین آقای زنجانی فرمودند بر سامع غیر مستمع سجده تلاوت واجب نیست.

[سؤال: ... جواب:] آقای سیستانی احتیاط واجب می‌‌کنند.  
این بزرگواران‌ که نفی می‌‌کنند وجوب سجده تلاوت را برای سامع استدلال‌شان به روایت ابن‌سنان است که عن رجل یسمع السجدة تقرأ قال لا یسجد الا ان یکون منصتا مستمعا لها.

بحث راجع به سند این روایت به اینجا رسید که همان‌طور که استاد ما فرمودند ما استنکار اصحاب نسبت به کلام ابن‌ولید وثوق پیدا می‌‌کنیم که ابن‌الولید اشتباه کرده راجع به محمد بن عیسی بن عبید.

مرحوم آقای خوئی فرمود ابن‌الولید یک جا راجع به کتاب نوادر الحکمة استثنا کرد ما رواه محمد بن عیسی بن عبید آنجا دارد باسناد منقطع، یک جا هم در ترجمه یونس بن عبدالرحمن گفت کتبه التی هی بالروایات صحیحة معتمد علیها الا ما رواه محمد بن عیسی عن یونس. راجع به آن جمله دوم بحث کردیم گفتیم عن یونس خصوصیت ندارد، به قرینه این‌که ترجمه یونس بن عبدالرحمن بود شاید این ذکر شده. ولی آن جمله اول که باسناد منقطع بود یک معنای لغوی احتمال دادیم‌ به عنوان احتمال گفتیم باسناد منقطع همان تعبیری که بعد شیخ نقل می‌‌کند ینفرد به شاید منقطع یعنی ینقطع عن سند آخر یعنی همراه با سند آخر نیست، انقطع الی فلان یعنی مثلا تا حال شاگرد این دو استاد بود ثم انقطع الی الاستاد الاول یعنی دیگر درس آن استاد دوم نرفت یعنی مختص شد به استاد اول، منقطع یعنی انقطع الیه یعنی اختص به یعنی لم یشارکه فیه غیره.

و لکن این استعمال ما مشابهش برایش پیدا نکردیم هر کجا لفظ منقطع بکار رفته به معنای همان مرسل گرفتند. در خاتمه مستدرک جلد 5 صفحه 158 هم مرحوم محدث نوری از محمد بن عیسی باسناد منقطع این‌جور فهمیده‌ای یکون فی السند بعده ارسال. ما هم من لا یحضره الفقیه را نگاه کردیم هم تهذیب را هر کجا لفظ منقطع هست این‌ها به معنای مرسل می‌‌گیرند. من لا یحضره الفقیه جلد 2 صفحه 383 می‌‌گوید عبدالله بن مسکان عن ابراهیم بن اسحاق عمن سأل اباعبدالله علیه السلام بعد می‌‌گوید هذا الحدیث اسناده منقطع و الحدیث الاول اسناده متصل، ‌این اسناده منقطع چون ابراهیم بن اسحاق نگفت راوی از امام صادق علیه السلام کیست، شد مرسل. یا شیخ در تهذیب جلد 1 صفحه 196 دارد اما الخبر الذی رواه جعفر بن بشیر عمن رواه عن ابی عبدالله و قد روی هذا الحدیث جعفر بن بشیر عن عبدالله بن سنان او غیره عن ابی عبدالله علیه السلام اول ما فیه انه خبر مرسل منقطع الاسناد لان جعفر بن بشیر فی الروایة الاولی قال عمن روی و هذا مجهول یجب طرحه و فی الروایة الثانیة قال عن عبدالله بن سنان او غیره فاورده و هو شاک فیه و ما یجری هذا المجری لا یجب العمل به. و همین‌طور جلد 9 تهذیب صفحه 332 می‌‌گوید فاما ما رواه الصفار عن محمد بن عیسی عن یونس عن رجل عن ابی عبدالله علیه السلام فهذا الخبر مرسل منقطع چون گفت عن رجل، ‌و طریقه، علاوه بر این‌که مرسل هست گفت و طریقه محمد بن عیسی بن عبید عن یونس و هو ضعیف و قد استثناه ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه من جملة‌ الرجال الذین رووا عن صاحب الحکمة و قال ما یختص بروایته لا ارویه. ببینید از این ذیل شیخ طوسی آن اسناد منقطع ینفرد به را فهمیده ما یختص بروایته لا ارویه ولی اولش که می‌‌گوید مرسل منقطع به همان معنای مرسل معنا می‌‌کند. پس ما هیچ شاهد دیگری بر این‌که منقطع در جای دیگر به معنای ما یختص بروایته نداریم، همه‌اش به معنای مرسل آمده. فقط این ذیل کلام شیخ در تهذیب جلد 9 ایهام دارد که شیخ طوسی هم از آن باسناد منقطع ینفرد به ما یختص بروایته فهمیده چون دو تا اشکال بود: اشکال اول این بود که هذا الخبر مرسل منقطع، دو: محمد بن عیسی بن عبید ضعیف است و ابن‌بابویه گفته ما یختص بروایته لا ارویه، و من هذه صورته فی الضعف لا یعترض بحدیث، کسی که این ضعف را دارد به حدیث او اعتنا نمی‌شود.

بهرحال ما سند را قبول داریم و لو مرحوم حاج شیخ در کتاب الصلاة تشکیک کرده در سند ولی نقل کردند در تقریر کتاب الصلاة مرحوم آشتیانی پذیرفته. ما سند را قبول داریم.

اما اشکال دلالی رسید به اینجا که مرحوم حاج آقا مرتضی حائری یک اشکال کرد فرمود: این روایت با روایات دیگر که می‌‌گوید سمع قابل جمع نیست که ما آن سمع را بگوییم مراد سماع من غیر استماع هست.

ما دو تا عرض داریم: یک: چرا می‌‌گویید آن روایات فرد شایعش استماع است؟ آدم یک گوشه‌ای نماز می‌‌خواند یک گوشه دیگر یک شخص دیگر نماز می‌‌خواند، آیه سجده را خواند، خب برای آن شخص اول که دارد یک گوشه‌ای نماز می‌‌خواند سماع، این استماع نیست، مأموم عادتا نسبت به امام استماع می‌‌کند ولی شما این طرف نماز می‌‌خوانید به فکر کار خودتان هستید اما دست روی گوش‌هایتان‌ که نمی‌گذارید صدای دیگران به گوش‌تان می‌‌خورد او هم نماز صبح روز جمعه است یا نماز نافله است یا هر چه، شروع کرده آیات سجده واجبه را خواندن این می‌‌شود سماع، ‌دیگر. چرا قابل تقیید نباشد؟

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری هم شبیه این اشکال را در کتاب الصلاة مطرح می‌‌کند راجع به کتاب حدیثی که در کتاب علی بن جعفر هست. این حدیث این است که در بحار هم هست در وسائل هم هست ولی در قرب الاسناد نیست کسانی که مثل آقای خوئی کتاب علی بن جعفر را قبول دارند می‌‌گویند شیخ حر عاملی که از این کتاب نقل می‌‌کند و همین‌طور صاحب بحار سند متصل دارند به شیخ طوسی و شیخ طوسی هم سند متصل دارد به کتاب قرب الاسناد، سند حسی است به نظر این بزرگان آن‌ها مشکل ندارند. اما ما که معتقدیم نه صاحب وسائل سند حسی به این نسخه دارد نه صاحب بحار، به عناوین کتب یا حتی بالاتر یک اجازه کلی تیمنی و تشرفی و تبرکی داشتند از اساتیدشان برای این‌که از ارسال خارج بشود آن اسانید را ذکر می‌‌کردند نه این‌که این نسخه به آن سند معنعن به دست صاحب وسائل رسیده باشد، این وهم است و ناشی است از عدم تتبع، ‌کسی که تتبع بکند نسخه‌هایی که دست صاحب وسائل بوده مثل کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی اشعری که نسخه صاحب وسائل هست و در کتابخانه مرحوم آقای حکیم در نجف نسخه‌اش موجود است و آن عکسش هم چاپ شده، ببیند و همین‌طور کلمات دیگر صاحب وسائل را که می‌‌گوید من منشأ اعتمادم به این کتب وجود قرائن موجوب وثوق بود که این کتاب، کتاب معتبری است این نسخه، نسخه معتبره‌ای است خطوط علما را دیدم در این نسخه‌ها این نشان می‌‌دهد که سند حسی ندارد. ما باید وثوق پیدا کنیم که این نسخه صاحب وسائل که از کتاب علی بن جعفر نقل می‌‌کند این نسخه‌، نسخه مغلوطه نبوده. اگر در قرب الاسناد هم تکرار شده باشد این روایت آدم وثوق پیدا می‌‌کند این روایت در کتاب قرب الاسناد نیست. بحار و وسائل هم که مشترک بودند در یک زمان بودند ممکن است اصلا نسخه هایشان را به هم می‌‌دادند.

[سؤال: ... جواب:] قرائنی که صاحب وسائل دارد ما چه می‌‌دانیم چیست. ... ابدا کافی نیست. من یک قرائنی دیدم وثوق پیدا کردم که این نسخه خطیه نسخه صحیحه است، چه دلیلی داریم که شما اعتماد بکنید؟

[سؤال: ... جواب:] علما کی هستند؟ علما که اختلاف دارند. قدما آن وقت قرائن قریبه به حس زیاد بود‌، فرق می‌‌کند با زمان صاحب وسائل که خیلی با زمان ما فرق نمی‌کند. الان شما نسخه‌های خطیه را پیدا کنید مثل نسخه اصل زید نرسی را زمان آقای بروجردی پیدا کردند و چاپ کردند خود آقای بروجردی می‌‌گوید این نسخه‌ها قابل اعتماد نیست چه می‌‌دانیم این نسخه را کی نوشته چطور نوشته.

در این روایت که از کتاب علی بن جعفر نقل می‌‌کند دارد سألته عن الرجل یکون فی صلاة جماعة فیقرأ انسان السجدة کیف یصنع؟ قال یؤمی برأسه و سألته عن الرجل یکون فی صلاته فیقرأ آخرٌ السجدة قال یسجد اذا سمع شیئا من العزائم الاربع ثم یقوم فیتم صلاته الا ان یکون فی فریضة فیؤمی برأسه. وسائل جلد 6 صفحه 243.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری فرمودند الرجل یکون فی صلاة جماعة فیقرأ انسان السجدة این عادتا سماع است نه استماع، شما در نماز جماعتی شرکت کردید یک آقای دیگری آمده گوشه مسجد چون فیقرأ انسان یقرأ امام الجماعة که نیست، فیقرأ انسان، ‌گوشه مسجد با صدای بلند نماز می‌‌خواند آن هم سوره علق می‌‌خواند، با قرائت شبیه قاری مصری، مرد حسابی!‌ برو خانه‌ات این‌جور نماز بخوان، این می‌‌شود سماع، این را نمی‌شود حمل کرد بر استماع.

جواب این است که بعض نسخ دارد یکون فی صلاة فی جماعة، ‌فی دارد بعض نسخ، صلاة جماعة نه، صلاة فی جماعة. مناسب هم همین است. یک شخصی در جماعتی هست بلند می‌‌شود نماز می‌‌خواند، فیقرأ انسان یعنی یکی از این افرادی که در این جماعت هست شروع کرد آیات سجده‌دار را خواندن، این ممکن است استماع بکند. وسط نماز عجب شما رفیقت دارد داستان تعریف می‌‌کند خوب تیز می‌‌کنی گوشت را که ببینی چی می‌‌گوید بعد از نماز حاشیه هم می‌‌زنی به حرف او، چرا حمل نشود بر استماع؟ قابل تقیید است.

و این‌که حاج آقا مرتضی حائری فرمودند در آن زمان معمولا استماع نمی‌کردند سماع می‌‌کردند، حفلات و محافل قرآنی که تشکیل نمی‌شد سماع کنند. این حرف‌ها درست نیست، مگر حتما باید محفل قرآنی تشکیل بشود تا استماع کنند، آدم می‌‌بیند یکی می‌‌خواند گوش فرا می‌‌دهد به خواندن او.

[سؤال: ... جواب:] فیقرأ انسان، یک انسانی آیه سجده را می‌‌خواند، صلاة‌ فی جماعة. یا آن روایت بعد دارد الرجل یکون فی صلاته فیقرأ آخر السجدة، ندارد صلاة الجماعة، من دارم نماز می‌‌خوانم یکی آن طرف دارد آیه سجده می‌‌خواند کی گفته استماع نمی‌کند؟ ... شما حضور قلب‌تان زیاد است ما که این‌طور نیستیم. ... چه بسا افراد اصلا جایی را انتخاب می‌‌کنند که بعضی صحبت‌ها را بشنوند.

پس اولا لنا ان نقول که اطلاق قابل تقیید است. ثانیا: اگر اطلاق قابل تقیید نیست جمع حکمی بکنید.

[سؤال: ... جواب:] اتفاقا اطلاق دلیل که می‌‌گوید یسجد اذا سمع چه در مقام تعلیم باشد چه در مقام افتا باشد قابل حمل بر استحباب است در مورد سماع من دون استماع. مهم این است که آن صحیحه عبدالله بن سنان ‌که می‌‌گوید اذا کان مستمعا منصتا الیها او دارد تصریح می‌‌کند به عدم وجوب سجود تلاوت در سماع بدون استماع این را اگر جمع موضوعی نمی‌توانیم بکنیم جمع حکمی می‌‌کنیم حمل می‌‌کنیم بر استحباب.

نفرمایید همه روایات را نمی‌شود حمل بر استحباب کرد. صحیحه حذاء‌ را چکار می‌‌کنید؟ سألت ابا جعفر علیه السلام عن الطامث تسمع السجدة فقال ان کانت من العزائم فلتسجد اذا سمعتها دارد تفصیل می‌‌دهد بین آیات سجده واجبه و آیات سجده مستحبه می‌‌فرماید اگر آیات سجده مستحبه را شنید سجود بکند این را که نمی‌شود حمل بر استحباب کرد.

می‌گوییم اولا: شما که در این روایت نگفتید الطامث تسمع السجدة آبی است از حمل بر استماع، او روایت علی بن جعفر را گفتید و الا طامث که نماز نمی‌خواند، یکی قرآن می‌‌خواند این طامث بیکار است نه نمازی نه روزه‌ای از همه چیز معاف است، ‌شوهرش هم که به او کاری ندارد خب بهترین چیز این است که استماع قرآن بکند، این‌که دیگر آبی از تقیید نیست به فرض استماع. ثانیا: این را هم بگویید آبی است از حمل بر استماع، می‌‌گوییم حمل می‌‌شود بر شدت استحباب که اگر آیات عزیمت و سجده واجبه باشد تأکد استحباب دارد و اگر آیات سجده غیر واجبه باشد این تأکد استحباب را ندارد. این هم جمع عرفی است دیگر.

و لذا به نظر ما این اشکال‌ها وارد نیست و ما هم تبعا للسید الخوئی و السید الامام و السید الزنجانی و الشیخ الاستاذ می‌‌گوییم در فرض سماع بدون استماع بر غیر مأموم سجده تلاوت واجب نیست.

مرحوم آقای حکیم فرموده من یک اشکالی می‌‌کنم این را دیگر نمی‌توانید حل کنید، کار ندارم به این معارض‌ها که قابل جمع عرفی هست، همین صحیحه عبدالله بن سنان شما اجمال دارد، ‌نمی گوید مستمع فقط سجده تلاوت بکند مطلقا، در رابطه با مصلی می‌‌گوید اگر شما نماز می‌‌خوانید دیگری هم نماز می‌‌خواند یا در غیر نماز آیه سجده را می‌‌خواند، شمای نمازگزار اگر استماع بکنی سجده بکن اگر سماع بکنی سجده لازم نیست، اما کسانی که مأموم هستند و امام جماعت آیه سجده می‌‌خواند یا نه، اصلا نماز نمی‌خوانند و می‌‌شنوند آیات سجده را، این دو گروه فرق نمی‌کند چه سماع بکنند چه استماع بر آن‌ها سجده واجب است، پس ما سه گروه داریم: یک: کسانی که در حال نماز هستند و دیگران آیات سجده را می‌‌خوانند، آن‌ها در حق‌شان تفصیل است: اگر استماع بکند سجده واجب است بر او اگر سماع بکند سجده واجب نیست. اما دو گروه دیگر: یک: مأمومین نسبت به امام جماعت چه استماع بکنند آیه سجده او را چه سماع بکنند و همین‌طور غیر مصلین مثل همان طامث او هم چه استماع بکند چه سماع بکند بر او سجده واجب است.

می‌گوییم: آقای حکیم!‌ این برداشت از کجاست؟ ایشان می‌‌فرماید روایت را ببینید! روایت این‌جوری دارد: سألت اباعبدالله علیه السلام عن رجل یسمع السجدة تقرأ قال لا یسجد الا ان یکون منصتا مستمعا لها او یصلی بصلاته و اما ان یکون یصلی فی ناحیة و انت فی ناحیة فلا تسجد لما سمعت، این ذیل می‌‌گوید یک فرض است که من می‌‌گویم لا تسجد لما سمعت و آن این است که شما در گوشه‌ای نماز می‌‌خوانی یک آقای دیگری در یک گوشه دیگر آیه سجده را می‌‌خواند، اینجا سماع بکنی سجده واجب نیست، پس آن صدر لا یسجد الا ان یکون منصتا مستمعا لها مربوط به کسی می‌‌شود که دارد نماز می‌‌خواند، ‌کسی که نماز می‌‌خواند اگر امام جماعت آیه سجده را بخواند می‌‌شود یصلی بصلاته او فرق نمی‌کند چه مستمع باشد چه سامع اما اگر امام جماعت نمی‌خواند آیه سجده را و کسی دیگر می‌‌خواند و این نمازگزار می‌‌شنود در حق او شرط است که استماع اگر کرد سجده تلاوت بر او واجب است و اما اگر نماز می‌‌خواند و دیگری سجده را می‌‌خواند بدون این‌که این استماع بکند فقط سماع می‌‌کند فلا تسجد لما سمعت. ایشان می‌‌گوید من نمی‌گویم این ظهور است اجمال هم کافی است که ما دیگر نتوانیم به این روایت تمسک کنیم برای نفی وجوب سجود تلاوت بر سامع مطلقا، فقط در حق سامعی که در حال نماز است و غیر امام آیه سجده را می‌‌خواند، فقط در حق او می‌‌گوییم لا یجب علیه السجود اذا سمع و انما یجب علیه السجود اذا استمع.

انصافا این خلاف ظاهر است. اگر این‌جور بود که سائل می‌‌گفت عن رجل یصلی و یسمع السجدة تقرأ، ‌سائل می‌‌گوید شخصی آیه سجده را شنید که خوانده شد، حضرت فرمود لازم نیست سجده کند مگر استماع کند این را یا نماز بخواند پشت سر این امام، و اما اگر کسی نماز می‌‌خواند در یک طرف در یک طرف دیگر کسی آیه سجده را می‌‌خواند و این سماع می‌‌کند سجده واجب نیست خب یک مثالی زده است این ذیل برای عدم استماع نه این‌که بخواهد تقیید کند صدر را، اگر می‌‌خواست تقیید کند صدر را این‌جور عرفی نبود باید بفرماید اذا کان الرجل یصلی، ‌نه سائل این را فرض کرد نه امام، چه جوری ما این را حمل کنیم بر نمازگزار؟

[سؤال: ... جواب:] صدر اطلاق دارد. اطلاقی دارد که با ذیل عرفا تقیید نمی‌شود و ما یصلح للقرینیة هم نیست، ‌عرف این ذیل را می‌‌گوید لابد مربوط می‌‌شود به یصلی بصلاته، أو یصلی بصلاته در رابطه با یصلی بصلاته یک تقابلی دارد با کسی که لا یصلی لا بصلاته، کسی که یصلی بصلاته یقرأ السجدة یسجد مطلقا اما من یصلی در مقابل آن یصلی است، اما من یصلی وحده و رجل یقرأ السجدة فی ناحیة اخری، این تفصیل در حقش است بین سماع و استماع. پس این و اما به أو یصلی بصلاته می‌‌خورد با او تقابل دارد می‌‌گوید اگر شما نماز می‌‌خوانی با نماز این شخص که آیه سجده می‌‌خواند سجده کن حالا یا اگر آن‌ها سجده کردند چون عامی هستند تو هم سجده کن آن‌ها سجده نکردند مثل بعضی‌ها که سجده را واجب نمی‌دانند تو ایماء بکن. در مقابل یصلی بصلاته کسی است که یصلی فی ناحیة لا بصلاة من یقرأ آیة السجدة این تفصیل است در موردش بین سامع و استماع.

[سؤال: ... جواب:] صدر را چرا تقیید بزند؟ در مقابل این ذیل است در مقابل یصلی بصلاته، انصافا ظهور عرفیش این است. ... مقابله کرده این ذیل با أو یصلی بصلاته. اگر بنا بود مقابله با کل باشد یعنی آن فرض یسمع السجدة تقرأ قال لا یسجد راجع به کسی است که مصلی است خب یک قیدی می‌‌زد آخه راوی دارد می‌‌گوید رجل یسمع السجدة تقرأ امام سریع این را منتقل کند به شخص نمازگزار؟ این عرفی است؟ تصریح هم نکند امام که من حمل کردم سؤال تو را بر نمازگزار مطلق بفرماید لا یسجد الا ان یکون منصتا مستمعا لها. این عرفی نیست. أو یصلی بصلاته در مقابل یصلی بصلاته کسی است که یصلی لا بصلاة من یقرأ آیة السجدة این پس این لا یصلی بصلاة من یقرأ آیة‌ السجدة در تقابل با اصل روایت نیست در تقابل با أو یصلی بصلاته است، صدر روایت مطلق است چرا تقییدش بزنیم به مصلی؟

پس فرمایش آقای حکیم درست نیست. فالاظهر اختصاص وجوب سجود التلاوة علی المستمع لها دون السامع لها.

[سؤال: ... جواب:] دو فرض است، ‌کسی که مأموم است و لو مستمع نباشد سامع باشد، غیر مأموم تفصیل است در حق او بین سامع و مستمع، اتفاقا صدر خیلی خوب است، ‌صدر که مشکل ندارد.

یک مسأله‌ای هست در مسأله 13 مطرح می‌‌کند صاحب عروه به عنوان صندوق حبس الصوت حالا ما اینجا مطرح می‌‌کنیم چون دوستان سؤال می‌‌کنند، شنیدن آیات سجده، استماع آیات سجده از رادیو و تلویزیون حالا مستقیم یا غیر مستقیم، از اینترنت مستقیم یا غیر مستقیم این حکمش چیست؟

بعضی‌ها مثل آقای زنجانی می‌‌گویند صدق می‌‌کند استمع، ‌فتوا می‌‌دهند واجب است. آن قاری مصری که چهل سال پیش فوت کرده حالا هر کی هست آیه سجده را می‌‌خواند هر بار که پخشش می‌‌کنی باید بروی سجده، ‌استماع کردی دیگر تا چه برسد به آنی که مستقیم و زنده دارد پخش می‌‌شود و تو گوش می‌‌دهی.

معمولا مستقیمش را قبول دارند می‌‌گویند عرفا می‌‌گویند قرئت فاستمعت الیها، خوانده شد الان و شما عرفا همان قرائت را شنیدی و لو مرحوم آقای بهجت من سؤال کردم از ایشان البته نه راجع به این موضوع بلکه راجع به نظر به زنان مکشفه در تلویزیون که امام تفصیل می‌‌دهد بین پخش زنده و پخش غیر زنده ایشان فرمود چه فرق می‌‌کند، همان پخش زنده‌اش هم نگاه مستقیم نیست، اگر بخواهیم علمی صحبت کنیم آن امواج می‌‌رود در فضا شما آن امواج را تلویزیون‌تان می‌‌گیرد اسمش را می‌‌گذارید پخش مستقیم و الا شما به آن زن اجنبیه نگاه نمی‌کنی به تصویر او نگاه می‌‌کنی منتها چون فاصله نیست بین آن عرض اندام آن زن در آن جای خودش با آن پخشش فکر می‌‌کنی داری مستقیم، این مستقیم نیست این نگاه به خود او نیست، لابد این اشکال را اگر توسعه بدهیم اینجا هم گفته می‌‌شود این شنیدن قرائت او نیست، ولی نوعا می‌‌گویند این عرفا شنیدن قرائت اوست. شبیه بلندگو، ‌بلندگو هم همین است، بلندگو هم تبدیل می‌‌شود صدا به امواج و می‌‌رود در آن دستگاه و تبدیل به صوت می‌‌شود منتها آن‌هایی که دور هستند فکر می‌‌کنند صدای خود من را می‌‌شنوند، تبدیل امواج است، ولی عرف می‌‌گوید صدای فلانی را شنیدیم. انصافا همین‌جور است عرف این را می‌‌گوید فرق می‌‌کند با آن نظر به اجنبیه عرف شاید بین پخش مستقیم و غیر مستقیم فرق نگذارد بگوید من خودش را نمی‌بینم من تصویرش را می‌‌بینم اما اگر صوت باشد می‌‌گوید صدای او را شنیدم.

حالا پخش غیر مستقیم، ‌ضبط صوت، چرا آقای زنجانی فرمودند که واجب است سجده تلاوت عند الاستماع؟ مرحوم آقای خوانساری هم در ذهنم است که احتیاط می‌‌کردند، ‌می فرمایند چون صدق می‌‌کند تقرأ، ‌الان خوانده شد دیگر، فتستمع الیها. یا آن اطلاقات، ‌الطامث تسمع السجدة فوقش به استماع قید بزنید، تستمع، ‌فلتسجد دیگر.

آقای خوئی فرموده: نه، الان ‌که قرائت نیست، قرائت چهل سال پیش بوده، شیخ محمد خلیل الحصری قرأ هذه السورة، ‌سورة العلق، ‌یا منشاوی یا هر کی، پس قرائت چهل سال پیش بوده. الان ‌که ضبط را روشن می‌‌کنی الان این قرائت نیست که، این صوت او حبس شده حالا دارد بازیافت می‌‌شود، الان ضبط صوت ایجاد صوت می‌‌کند نه قاری قرآن. این الان صوت ضبط صوت است نه صوت قاری قرآن. و ظاهر قرائت این است که قاری ذی شعور آن را بخواند. ظاهر استماع استماع الی القراءة است، یا قرائت یا استماع الی القراءة. و الا یک طوطی خریدید شانس دارید یکی گفت من طوطی خریدم فحش مستهجن می‌‌داد، هر بار وارد می‌‌شدم یک فحش رکیکی به ما می‌‌داد، خوش‌شانس هستی!!‌ از این حیث که تا وارد می‌‌شوی می‌‌گوید بسم الله الرحمن الرحیم آیه سجده را می‌‌خواند، این عرفا آن قرائتی که می‌‌گویند اسمتعت الی قراءة آیة السجدة انصراف ندارد از این؟‌ انصافا انصراف دارد. فرق می‌‌کند با آن صبی غیر ممیز که می‌‌گویید خوب و بد را تشخیص نمی‌دهد ولی به او می‌‌گویند قرآن بخوان، متوجه است قرآن می‌‌خواند خوب هم می‌‌خواند ولی صبی غیر ممیز است، او هم عرفا می‌‌گویند آیه قرآن خواند، اما طوطی بدون التفات یادش دادند این آیه سجده را خوانده، نمی‌گویم می‌‌گویند طوطی می‌‌خواند، بلکه می‌‌گویم انصراف عن رجل سمع قراءة این آیه را، ‌استماعش ظاهرش استماع به قرائت است و قرائت هم انصراف دارد به قرائت عن شعور و لذا این ضبط صوت که قرائت نمی‌کند، قرائت ضبط صوت انصراف دارد اما خود آن قاری که الان قرائت نمی‌کند یک بار قرائت کرد صدایش را حفظ کردید. و لذا بعید نیست خلافا للسید الزنجانی ما بگوییم صد بار هم این آیه سجده را از ضبط صوت و یا از اینترنت و یا از رادیو تلویزیون بشنوید به شرط این‌که مباشر نباشد مستقیم نباشد بر شما سجده تلاوت لازم نیست و ان کان الاحوط این‌که سجده تلاوت بکنید. آقایان می‌‌گویند چون صدق می‌‌کند الان استماع الی هذه القراءة این قرائت است و لو از باب این‌که صوت یک قاری است که قبلا خوانده است ما در این اشکال داریم.

بقیه مطالب ان‌شاءالله فردا.

و الحمد لله رب العالمین.